

دكتور عنايت الله شهباني

يادي از گذشته هاي فاكولته هنر هاي زيبا

جاي خوشي و مسرت است كه اينك با لطف پروردگار عالميان ، فاكولته هنر هاي زيبا در در دانشگاه كابل در قطار ساير فاكولته ها اخذ موقع نموده است ، و شنیده میشود كه استادان صاحب هنر و دانشمندان فاكولته مذکور دست بكار هاي زده ، فعاليت هاي بسيار خوب را انجام داده اند ، كه در آينده براي آموزش اولاد وطن عزيز افغانستان بدر خواهد خورد.

درين شكي وجود نخواهد داشت كه در هرا بكار و تاسيس و آغاز ، مشكلاتي رخ ميدهد ولي بعد ها به اثر سعي و تلاش و نو آوري ها به قيام ميرسند كه نتايج خوب را ببارمي آورند.

در انكشاف هنر در افغانستان بسي شخصيت ها ، كار هاي بنيادي را انجام داده اند ، ارواح شاد علامه صلاح الدين سلجوقي در دوران غازي شاه امان الله خان بار اول مذكوره تياتر را در هرات و كابل به اذهان مردم وارد و قهرماني را در اساس گزار ي بازيگري ، تمثيل و تياتر بدست آورد و سپس استاد عبدالرشيد لطيفي كه او را مطبوعات افغانستان منحيت "پدري تياتر" در افغانستان مي شناسند ، فداكاري ها و جان نثاري هاي كرد مي سزد او را بزرگترين شخصيت هنر تمثيل شناخت ، چونكه او تا آخرين رمق حيات در انكشاف و تقويه هنر بازيگري كار كرد و زواياي علمي تياتر را به شاگردان جيد و بادانش خود توضيح داد و نوشته هاي زيادي را بيادگار گذاشت .

پروفيسور غلام محمد مصور ميمنگي از نوابغ نقاشي بار اول در تاريخ كشور " مکتب صنايع نفيسه كابل " را در دوران اعليحضرت شاه امان الله خان غازي تاسيس كرد و شاگردان زياد را تحت تربيه قرار داد و هريك از آنها را هنرمندان شهير كشور ساخت و چند جلد كتاب هنري را بچاپ رسانيد .

استاد عبد الغفور برشنا هنرمند و يادانشمند چند بعدي ، مکتب صنايع نفيسه را انكشاف داد و مضامين مختلفه هنر را علاوه نمود و در مطبوعات در امه نويسي ها كرد و به تياتر و انكشاف آن سعي ها بخرج داد و نيز در هنر موسيقي چه در راديو و چه در مطبوعات خدمات ارزنده

نمود ، و خود هنرمند بزرگ نقاشی - موسیقی و نویسنده صحنه های تمثیل بود و صاحب تالیفات می باشد . هنرمند دیگری را بنام استاد عبدالغفور خان باید پدرهیکل تراشی در کابل بشناسیم .

استاد غلام حسین و استاد فرخ افندی دو بزرگ مردی میباشند که نام گرامی و محبوب هر دو در راس فعالین هنر و انکشاف دهنده گان خصوصا موسیقی قرار دارد و هر دو تا آخرین نفس زندگی شان در هنر خدمت نمودند .

در روزگاران تحصیل این نگارنده به تشویق استاد عبدالغفور برشنا که استاد من در نقاشی بود ، سه کتاب در خصوص هنر و تدریس هنر تالیف و بدست نشر سپردم ، کتاب اول بنام " آرت برای معلمین مکاتب ثانوی و دارالمعلمین ها " دوم " اصول تدریس آرت تربیوی " سوم " هنر در افغانستان " . اول الذکر به تعداد پنجمصدجلد چاپ استنسل به امر جناب محترم پروفیسور توریالی اعتمادی رئیس موسسه تعلیم و تربیه بطبع رسید و اولین رهنمای تدریس آرت در افغانستان بشمار می آید ، دومی نیز بنام " اصول تدریس آرت تربیوی " که از جمله اولین کتاب هنر و از طرز تدریس آن بحث مینماید ، در سال (1350 هجری شمسی) وزارت معارف آنرا در یک هزار نسخه بچاپ رسانید .

کتاب سومی که تذکره صورتگران و پیکر تراشان معاصر افغانستان بشما رمی آید ، به تشویق و همکاری های بیدریغ استاد برشنا بنام " کتاب هنر در افغانستان " نوشتم و در مطبعه فرانکلین معارف به تیراژ یک هزار نسخه در سال (1350 هجری شمی) بزیور طبع آراسته گردید .

بعد از فراغت از فاکولته بیش از صد مقاله و هفده کتاب درباره هنر تحریر و بچاپ رسانیدم . در آغاز فراغت در دارالمعلمین کابل تدریس مینمودم ، و با استادان پوهنتون کابل و رؤسای فاکولته ها ، گاه گاهی در خصوص هنر در تماس می شدم .

ارواح شاد استاد داکتر سید بهاءالدین مجروح میگفت که استاد داکتر عبدالاحمد جاوید و پروفیسور حبیب الرحمن هاله و شخص خودش دایم در تلاش آن بودند که باید در چوکات پوهنتون کابل یک شعبه هنر وجود داشته باشد و این موضوع را با پوهاند غلام حسن مجددی بمشوره گرفتند . بایبداکردن آقای امان الله حیدرزاد که معلم مکتب صنایع کابل بود ، استادان متذکره که قدرت تشکیل کورسها را داشتند ، فیصله بعمل آوردند که مضامین نقاشی و هیکل تراشی بدون کریدت و خارج از رسمیات پوهنتون تدریس گردد و جناب آقای حیدرزاد ، بهترین کاندید جهت تدریس کورسها بشمار می آمد ، مدتی بعد جناب آقای امان الله پارسا نیز عهده دار تدریس کورسها خارج کریدت نیز گردید .

کورسهای نقاشی و مجسمه بگونه فعالیت های ما و رای درسی ، شاگردان با استعداد را می پذیرفت ، در اواسط دهه شصت میلادی ، آغاز بکار نمود که محترم عبدالوهاب سعید یکی از فعالین این کورسها چه در تدریس ، چه در تحصیل و چه در همکاریها ارتباط خاص داشت .

در سال 1975 مسیحی که هنوز کورسهای نقاشی و مجسمه سازی در بیرون و خارج از نصاب تعلیمی فاکولته ادبیات قرار داشت ، در یکی از روز ها ، دانشمند عالی مقام و شخصیت هنر دوست افغانستان ، پروفیسور استاد میرحسین شاه که رئیس فاکولته های تعلیم و تربیه و ادبیات و علوم بشری بود، تیلفون کرد و فرمود که باید فردا در مجلس آمرین دیپارتمنت ها و رزم که میخواهد شعبات نقاشی و هیکل تراشی را رسمی بسازد . استاد فرمودند که تاکنون کسانی که کورسهای مذکور را فرامیگرفتند ، بدون کریدت و غیر رسمی بود ، و هر دو شعبه در رسمیات فاکولته باید شامل گردد و محصلان میتوانند ، با فراگیری چهار سال ، در آن بخش ها شهادت نامه بگیرند . در آن مجلس آمرین دیپارتمنت ها ، آقای حیدرزاد و نگارنده این سطور حضور داشتیم ، مجلس بریاست محترم پوهاند صاحب میرحسین شاه آغاز یافت و شعبات نقاشی و هیکل تراشی منحیث یک دیپارتمنت کوچک رسمیت پیدا کرد و مربوط فاکولته ادبیات و علوم بشری گردید .

آنروز یکی از روزهای خوشی من در زندگی بود ، استاد میرحسین شاه با این عمل نیکش در نظرم چنان میدرخشید که گویی نور الهی درو جناتش می تابید ، زیرا او با احساس کامل و علاقه خاص ، اساس دیپارتمنت فاکولته هنرهای زیبا را بصورت رسمی گذاشت ، و خدایش او را طول عمر و صحت کامل ببخشد که اکنون تا اندازه معمر شده اند و در ایالت کالیفورنیا تشریف دارند ، بناء باید گفت که نام نامی پوهاند صاحب میرحسین شاه به خاطر بنیان گذاری رسمی فاکولته هنرهای زیبا جاویدان خواهد بود ، و طوریکه ذکر گردید ، خشت اول را شهید سعید پوهاند صاحب مجروح گذاشته بودند و پوهاند صاحب میرحسین شاه بارسی سازی آنرا که زرین بود زرین تر ساختند . سپس نگارنده این سطور (شهرانی) با بنیان گزاری شعبات تیاتر و موسیقی و ارتقا دادن این دیپارتمنت ها به فاکولته بنام (فاکولته هنرهای زیبا) برزیبایی و درخشندگی هنرها رونق بیشتر بخشید . درین اواخر شنیده شد که در وقت ریاست دانشمند جوان جناب استاد عالم فرهاد با همراهانش درجه ماستری را بر آن علاوه نمودند که خداوند برایشان اجر جمیل عنایت فرماید .

درین اواخر بحضور پوهاند صاحب میرحسین شاه عرض سلام و احترام تقدیم کردم ، بعد از تعارفات از تاسیس و رسمی ساختن هنرهای زیبا که افتخارش بر آنهاست چیزی بیاد دارند فرمودند که بمانند دیروز در ذهن شان قرار دارد ، و افتخار بنیان و اساس گذاری رسمی ساختن هنرهای زیبا را با خود دارند .

دروقت رسمی شدن شعبه هنرهای زیبا ما دوفرنجناپ آقای حیدرزاد و عنایت الله شهرانی که استادان رسمی وشامل کدر علمی پوهنتون بودیم ، استادان اولی را تشکیل میدادیم، وبصورت عاجل پروگرامهای فاکولته را باکریدت های کورسها تهیه نمودیم .

آقایون استاد محمد همایون اعتمادی وآغاصاحب سید حمایت الله حسینی استادان حق الزحمه بودند ، سپس جنابان حامد نوید وتمیم اعتمادی ، منحیث استادان رسمی تشریف آوردند طوریکه جناب نوید فرمودند آنها تنها چهار سال درکورسها ی نقاشی تدریس نموده اند. بدبختانه زمانیکه حکومت کمونست ها بمیان آمد، آقایون امان الله حیدرزاد ، حامد نوید ، وتمیم اعتمادی بمدت کوتاهی از افغانستان بر آمده وراهی هجرت شدند .

راقم این سطور، بعد از مهاجرشدن استادان محترم ، تمام کارهای اداری وتدریسی شعبه هنرهای زیبا را انجام میدادم . زمانیکه محصل دوره ماستری هنردرامریکا بودم ، پروگرامهای تیاتروموسیقی را از یونیورسیتی اریزونا با خود به افغانستان آورده بودم ، هدف من آن بود ، روزی بیاید که این دوشعبه رانیز درقطارشعبات درهنرهای زیبا شامل نمایم ، واگرخواست خداوند باشد ، شعبه هنرهای زیبا را به یک فاکولته مستقل ارتقا بدهیم . وخداوند بدربارخود آرزوی دیرینه مرا برآورده ساخت واینک منحیث یک فاکولته مستقل ومهم درقطارفاکولته های دیگرپوهنتون قراردارد . ناگفته نباید گذاشت پروگرامهای فاکولته مهندسی را نیزازاریزونا باخود آورده بوم ، ولی درکابل درآن قسمت به مشکلات زیادروبروشدم ونتوانستم بدان کارموفق شوم .

ارتقای دوشعبه نقاشی وهیکل تراشی به فاکولته مستقل ، کارآسانی نبود ، پیش ازینکه شعبات تیاتروموسیقی را ، اساس وپایه گذاری میکردم ، باید پروگرامهای چهارساله را تهیه میداشتم وآن کاردست کم ششماه را دربرگرفت ، زیرا ترجمه پروگرامها وتطبیق آن بامحیط وغیره وقت زیاد را ضرورت داشت .

بعدازتکمیل پروگرامها ، موضوع تاسیس شعبات نوچون تیاتر ، موسیقی ، تعلیم وتربیه آرت وغیره را درمجلس بسیارکوچک استادان هنرهای زیباکه جدیدا ازفاکولته فارغ التحصیل ودرکدرنامزد شده بودند ، درمیان گذاشتم که بااکثریت تائید گردید ریاست آن مجلس را شخصا بدست داشتم . پیش از آنکه مقصد تاسیس شعبات تیاتر وموسیقی ودیپارتمنت های دیگررا به ریاست فاکولته اطلاع دهم لازم دیدم ، یک بار بطورشفاهی بامرحوم انجینیر عزیزالرحمن سعیدی ، رئیس پوهنتون کابل ، موضوع را درمیان بگذارم ، درین وقت کسیکه مرا همراهی کرد ، یکی از جوانان ارجمند بنام عبدالمالک دوست زاده بود ، که تخلص او را جدیدا برایش انتخاب کرده بودیم واو مرا درمیان خلقی ها تنها نگذاشت .

از تصادف نیک معاون علمی پوهنتون بنام داکتر رسول که در عین حال رئیس فاکولته ساینس نیز بود در دفتر رئیس پوهنتون تشریف داشت و وی به تاسیس شعبات جدید خصوصاً موسیقی علاقمندی خاص داشت و رئیس پوهنتون با من قول داد و گفت که تو کارهای خود را به هر رنگی که میخواهی پیش ببر و من از کارها و افکارت حمایه خواهم کرد .

بعد از دوسه ملاقات دیگر با رئیس پوهنتون جناب انجینیر سعیدی ، برایم فرمود که اینک کارها را به آسانی انجام دادید ، یافتن استاد ، درین فنون کار آسان نیست ، زیرا که در رشته های هنر ، تعلیم یافتگان مسلکی در وزارت مطبوعات وجود ندارد ، ولی من عرض نمودم که امکان دارد ، که بعضی هارا باصفا تیکه شما میفرمائید پیدانمایم .

اولین شخصی را که از مطبوعات پیدا کردم جناب داکتر محمد نعیم فرحان بود ، اگر چه به تقرر وی تکلیف ها دیدم ، رنجه کشیدم و طعنه ها شنیدم ، ولی اینکار شکنی های میان تهی نتوانست در عزم راسخ من سکتگی وارد نماید ، سپس زلیخا جان نورانی و بعدا استاد عبدالقیوم بیسد را آوردیم و از تیاتر خود را بیغم ساختیم . در یکی از جراید مصاحبه یکی از دوستان را خواندم در آن فرموده بود که بمجردیکه پایم در پوهنتون رسید ، دیپارتمنت تیاتر را تاسیس نمودم فوراً اینجانب عکس العمل نشان دادم گفتم شمارا ما به حیث استاد استخدام کردیم ، ششماه پیش از شما دیپارتمنت تاسیس شده بود و پروگرام ها ترتیب گردید ، و شما نامزد کدر بودید که هنوز هیچ صلاحیت نداشتید ، بالاخره آن دوست قانع شد و از کرده خود پشیمان بود .

اولین استادان شعبه تیاتر داکتر محمد نعیم فرحان – زلیخا جان نورانی و استاد عبدالقیوم بیسد بودند . اولین آمر دیپارتمنت تیاتر محترمه زلیخا جان نورانی و آمر عمومی این راقم بود داکتر فرحان و خانم نورانی در کدر دانشگاهی پیشنهاد شده بودند و استاد بیسد بشکل حق الزحمه یا قراردادی کار مینمود .

در خصوص موسیقی به همکاری جناب داکتر نعیم فرحان ، استاد سلیم سرمست ، استاد فقیر محمد ننگیالی و استاد حسین ارمان را در شعبه موسیقی ، منحیث استادان موسیقی استخدام نمودیم و اولین استادان این دیپارتمنت هر سه استاد متذکره می باشند . و اولین آمر دیپارتمنت موسیقی جناب داکتر فرحان و آمر عمومی راقم این سطور بود .

بعد از اینکه شعبه موسیقی تاسیس گردید دو محصل اول شعبه مذکور ناصر سرمست و خالد ارمان که پدران شان برای هریک سکالرشپ های تحصیلی دریافته بودند ، بموافقه آمریت هنرهای زیبا به خارج فرستاده شدند .

در شعبه تعلیم و تربیه هنر جناب استاد غلام محی الدین شبنم غزنوی را استخدام نمودیم تا به محصلان مضمون آرت ابتکاری را تدریس نماید ، استاد شبنم یکی از موفق ترین استادان بشمار میرفت . درین وقتیکه دیپارتمنت ها هریک شروع بکار نمود و فارغ التحصیلان جدید

شعبه هنرهای زیبا منحیث اسیستانت عز تقرر یافتند ، رئیس پوهنتون کابل فرمود که اینک دیپارتمنت های شما زیاد ومیتواند مثل یک دستگاه مستقل یاآمریت عمومی شناخته شود ، ودرهمین مقطع مفاهمات بود که از رئیس پوهنتون مبلغ چهارصدوپنجاه هزارافغانی را بنام بودجه یکساله هنرهای زیبا فرمان گرفتیم . دروقتیکه امربودجه سالانه هنرهای زیبا را ازانجینیرسعیدی اخذنمودیم ، جناب داکترنعیم فرحان هم تشریف داشت . وازبسکه جناب فرحان را درکارها شرت میدادم ، دوستان ما را بنام های علی اکبر وعلی اصغرخطاب مینمودند .

جناب آقای داکترنعیم فرحان که بعد ازتاسیس ، شعبه های تیاتر وموسیقی ، جهت تدریس درمضمون تیاتر استخدام گردیده بود ، تا ایام برآمدن بسوی دیارغیروهجرت ، منحیث معاون بامن همکاری مینمود ، و خداوند صحتش را خوب داشته باشد ، اکنون تکالیف صحی دارد . داکترفرحان بعدا منحیث رئیس فاکولته هنرهای زیبا ، تاسالهای زیادی کارنمود .

قابل یادآوری می باشد که اساس وبنیان گزاری فاکولته هنرهای زیبا به ارواح شاد سعید شهید پوهاند داکترسید بهاءالدین مجروح ویاران اکادمیک او تعلق ونسبت می یابد و ارتقادهنده دوشعبه نقاشی ومجسمه سازی به فاکولته هنرهای زیبا و موسس شعبات موسیقی وتیاتراینجانب عنایت الله شهرانی می باشد ، وکریدت رسمی ساختن دوشعبه نقاشی وهیکل تراشی درتاریخ افغانستان بجناب پوهاند میرحسین شاه نسبت دارد ، وجناب آقای حیدرزاد ازآغازتاسیس کورسهای نقاشی ومجسمه سازی تاوقت هجرت منحیث استاد وبعد ازرسمی شدن اولین آمردیپارتمنت واستاد رسمی ودومین استاد رسمی طوریکه ذکرگردید من نویسنده این سطوربودیم .

یکی ازدلائل عمده مکررتوضیح نمودن راقم این سطوربه جهتی میباشد که یکتعداد بصورت کاذب حقایق را می پوشانند وهمه را بخودا کریدت میدهند وبسویه اکادمیک بازهم منحیث استادبه سویه یونیورستی این نوع مبالغات وتبلیغات سوء ، کارنادرست وبیجاست .

درپوهنتون کابل ما روئسای چون پروفسورداکترعبدالاحمد جاوید واستاد داکترمحمد حیدرخان را داشتیم که علاقمند به انکشاف هنر وتقویه دهنده زیبایی شناسی بودند ، داکترجاوید درانکشاف دادن رادیو کابل ، وتشویق نمودن هنرمندان مخصوصا آوازخوان های زن ،بحدی اعظمی کارهای بنیادی را انجام داد که باید بنامش مضمون علیحده نوشته شود .

ناگفته نماند که استادان فاکولته هنرهای زیبا ، زمانیکه ترفیعات علمی خویش را بدست می آورند ، باید تحقیقات علمی نموده ونوشته های خویش را درمجلات واخباربچاپ برسازند بیاد دارم که یکی از استادان هنرهای زیبا فرموده بود که استادان هنرهای زیبا باید استثنائیت

داشته و مضامین و مقالات ننویسند، درحالیکه این کار در هیچ جای جهان معمول نیست و پروفیسور باید قلم داشته و نویسنده هم باشد .

هر استاد فاکولته هنرهای زیبا که به سویه پوهاندی (پروفیسوری) میرسد ، باید شانزده اثر علمی را بنویسد که دو اثر آن باید کاملاً ابتکاری باشد و مقالات اوچه در داخل و چه در خارج به چاپ برسد .

در خارج افغانستان جنابان استاد عبدالکریم رحیمی ، مرتضی جان پردیس ، محترمه ماریا جان دارو ، محترمه فتانه بکتاش عارفی ، استاد ارشد بهزاد سلجوقی ، استاد یوسف کهزاد ، استاد حسین ارمان ، استاد عزیزالله هدف ، آقای گل احمد شیفته ، آقای خان آقا سرور محترم عبدالستار جفایی ، محمدرنعم رفاه ، مشعل ترنم ، (نوریه پرستو) ، آقای حامد نوید ، و یکتعداد دیگر فعالیت های هنری را از طریق قلم ، زبان و یا عمل انجام داده اند .

نگارنده این سطور نیز در کاروان خدمتگاران هنردر افغانستان همراه بوده کم از کم صد مقاله در خصوص هنرنوشتیم ، هر هنرمند یکه در خارج پدرود حیات گفت درباره وی مقاله نوشته و نامش را جاویدان ساختم و کتاب های زیاد درباره هنردر افغانستان نوشته و به چاپ رسانیدم ، همچنان اتحادیه بزرگ را بنام " اتحادیه سراسری هنرمندان افغانستان " تاسیس نمودم . و اولین رئیس انتخابی آن تعیین شدم و در بیست و نه مملکت جهان نمایندگی داشتیم ، بدبختانه یکی از استادان سابقه دار فاکولته هنرهای زیبا در تخریبات اتحادیه هنرمندان دست درازی میکرد . بسیار امیدوار بودم استادان سابقه هنرهای زیبا چون امان الله حیدرزاد ، حامد نوید ، تمیم اعتمادی ، داکتر نعیم فرحان ، و دیگران آثارگران سنگ چون مقالات ، رسالات و کتاب ها درباره هنردر افغانستان بیارگار بگذارند اما متاسفانه ننوشتند و بچاپ نرسانیدند .

محترم داکتر نعیم فرحان یک اثر بسیار کوچک بنام " کمیدی زنان عصبی " که سالها پیش ترجمه کرده بود ، در جرمنی بچاپ رسانید . خوشبختانه درین اواخر جناب آقای نوید اثر زیبایی درباره تاریخ هنر بزبان انگلیسی نوشتند ، ای کاش این اثر را اولاً بفارسی ، بعداً به انگلیسی تحریر میکردند ، استادان هنرهای زیبا شاید نتوانند از آن مستفید شوند . دو دیگر اینکه این کتاب چاپ کاغذی نشده است ، تنها از طریق کمپیوتر اگر کسی خواسته باشد آنرا میخواند و کتاب بعد از فرمایش بچاپ میرسد .

جناب آقای مرتضی جان پردیس ، که زحمات زیاد در انکشاف و تقویه هنردر افغانستان می کشد ، کتابی نفیس را بزبان انگلیسی تهیه داشته و چون شکل البوم را دارد ، بناء استفاده از آن مشکلی ندارد . یک کتاب بسیار ارزنده و مهم درباره تیاتر در افغانستان توسط محترمه ماریاجان دارو تحریر و تکمیل شده است که اینجانب ویراستار در آن کتاب بوده و مقدمه ها نوشتیم و از آغاز تا انجام آنرا مطالعه نمودم امید است بزودی در کابل به طبع برسد .

عزیزان، ارجمندان و فرزندان معنوی این خدمتگاران هنر در افغانستان شما محمداکبرجان سلام، سید فاروق جان فریاد، محمد عالم جان فرهاد، مهتاب الدین جان زبردست، محمد جان پاوند- شیرزمان جان، اشرف جان انهورگر، نجیب جان عثمانی، عبدالواسع جان رهرو عمرزاد، حسین زاده والاگهرو دیگران شما میدانید که فرزندان معنوی کی ها هستید، پدران تان معابد آسه ماهی، ودها هیاکل درکابل، منارچکری، سازنده هده، معابدای خانم فندوقستان، آثار طلا تپیه، هیکل های باعظمت بامیان، لشکرگاه، اشترگرام وغیره را بادست های معجزه آسای شان تهیه داشته اند، شما فرزندان نابغه های چون کمال الدین بهزاد، میرعلی هروی، میرزا بایسنقر، استاد میرزا یعقوب کابلی، استادعظیم ابکم، استاد میرحسام الدین نقاش، استاد محمد رضا سهیل خراسانی، پروفیسور غلام محمد میمنگی، استادصلاح الدین سلجوقی، استاد عبدالرشید لطیفی، استاد عبدالغفور برشنا، استاد غلام حسین، استاد قاسم افغانستان و دیگران می باشید که بگونه فرزندان معنوی شان استعداد آنها را بمیراث برده اید.

بر شماست که در زندگی خود تمام صفات عالی هنرمندان واقعی را داشته باشید، باهمدیگر دست برادری داده در فعالیت ها شریک شوید، به هیچکس از طریق رفاقت، دوستی خویشی و ارتباطات شخصی لقب ها ولک بخشی ها ننمائید، زیرا که شما وارثان اصلی هنر در افغانستان می باشید. به هرکسی که تالاری را بنامش مسمی مکنید، یالقب می دهید و یا ترفیع علمی می دهید، متوجه باشید که از روی معیار و استندرد و سنجش برای شان تقویض بفرمائید. راه شما، راه هنرمندی می باشد و هنرمندی راه صداقت و حقیقت است.

حالا که علی العجاله برای عنایت الله شهرانی، نعیم فرحان، حامد نوید و امان الله حیدرزاد، لقب ها و یا تالارها را بنام شان تقویض نموده اند خداوند همه را خیر و برکت دهد که یادی از پیران سالخورده شان را مینمایند و امیدواریم که این اعمال نیک و قدردانی آن گرامیان از روی یک معیار و برنامه ریزی باشد، زیرا زمانیکه یکنفر از خارج منحیث پروفیسور مهمان یایک شخصیت فرهنگی و سیاسی به فاکولته هنرهای زیبا می آید، ومی بیند که نام یکی از ما چهار نفر بخط درشت نوشته شده و یا عکس ما در سردیوار پدیدار است، خواهد پرسید که این شخص کی است و چه کرده است، طبعاً جوابی بسیار قانع کننده را باید ارائه کرد.

نام فاکولته هنرهای زیبا را و یا شعبه های هنری را، اگر بنام کسی می سازند، ممانعتی نیست ولی در صورتی است که آن شخص باید نابغه باشد، مثلا بنام حضرت بهزاد اگر داده شود، بخاطری مناسب می افتد، یک اثر بهزاد دست کم پنجاه تا صد میلیون دالر قیمت دارد، و او صاحب سبک است و رسانه را در شرق بیار آورد، اگر بنام میرعلی هروی شود، او نابغه بی همتا بود که خط نستعلیق را به اوج آسمان ها رسانید، بهترین نامیکه در آن سوال

بروز نمی نماید ، کلمه زیبای " هنرهای زیبا " می باشد و این نام تاقیام قیامت بسنده و پاینده باید باشد .

دوستان و عزیزان نهایت گرامی ام ، دست اندرکاران فاکولته هنرهای زیبا ، امیدوارم فاکولته هنرهای زیبا که من حیث مهمترین دستگاه هنری در افغانستان می باشد ، هرآن لک بخشی هائیکه صورت می یابد از روی استندرد و معیار باید صورت بگیرد ، تا عامل آنها در نزد خداوند - خلق و وجدان خود رستگار شوند .

تو خوشنود باشی و مارستگار

خدایا تو آن کن که پایان کار

یادداشت و استند راک :

نگارنده این سطور رساله کوچکی را بنام " خاطرات من از تاسیس فاکولته هنرهای زیبا" سالها پیش تحریر نموده بودم ، من فکر میکردم که هر شخصیت محترم به موقف و کارهای خود قانع میباشد ، ولی دیده شد که دوستان محترم با کار کم مزد زیاد میخواهند و حقوق کسانیکه مرحوم شده اند و با ما نیستند نام های مبارک شان را از میان میبرند ، و بدان سبب اینک تا حد توان ، همه حقایق را به حد قدرت بندگی با صداقت تمام در قید تحریر آوردم ، مسئول و جواب ده گفته ها و نوشته های خود می باشم .

ومن الله التوفیق